

## هوالعیم

### ۲۰ نکته در تبیین و تحلیل علت سلسله اهانتها به قرآن کریم

#### علیرضا معاف

اهانت و جسارت به ساحت مقدس قرآن کریم باز هم در غرب تکرار شد؛ اتفاقی که طی سالیان گذشته هر از چندی بنا به دلایل مختلفی که در ادامه گفته خواهد شد، تکرار شده است. اما این بار ماجرا ابعاد تازه تری هم پیدا کرده است.

#### ۱- توجه به سلسله اقدامات

اولین نکته‌ای که باید به آن دقت کرد این است که در سال جدید میلادی زنجیره‌ای از سلسله جسارتها و اهانتها به قرآن کریم شکل گرفته؛ به طوریکه فقط طی شش ماه گذشته ۷ مرتبه این اهانت و جسارت تکرار شده و همه این ۷ مرتبه هم در کشورهای اروپایی به خصوص شمال اروپا بوده است. بیشترین نقش در این اهانتها را هم دو کشور سوئد و دانمارک داشته‌اند. اول بهمن ۱۴۰۱ بود که یک سیاستمدار سوئدی دانمارکی مقابل سفارت ترکیه در دانمارک، به قرآن کریم جسارت کرد. ۱۰ روز بعد، دهم بهمن ۱۴۰۱، همین اتفاق در هلند تکرار شد. فروردین ۱۴۰۲، سوئد پشتیبان اهانت کننده دیگری به ساحت قرآن کریم شد. تا اینکه ماجراهای یک ماه اخیر و آتش زدن قرآن توسط فرد عراقی اصلی که مشخص شد مأمور موساد است، رخ داد. در تاریخ‌های ۷ تیر و ۲۹ تیر همین فرد رفتار شنیع خود را تکرار کرد؛ پس از او هم در ۳۰ تیر و ۳ مرداد، یک گروه ۵ نفره در دانمارک قرآن کریم را آتش زدند و همه این ۴ اتفاق اخیر، در مقابل سفارت عراق انجام گرفت. این بار اما واکنش کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان گسترده‌تر و متفاوت‌تر از گذشته بود. به ویژه در عراق و ایران اسلامی. در ایران آتش زدن قرآن همزمان شد با ایام عزاداری دهه اول محرم و همین مساله کافی بود تا نمایشی از تلازم و همراهی تقلین پیامبر و ارادت قلبی و عشق عمیق ایرانیان به قرآن و عترت(ع) به طور همزمان در مقابل چشم جهانیان قرار گیرد و خون قرآنی در محرم حسینی به جوش آمد.

#### ۲- اهانت به قرآن، واکنش غرب در برابر کنش‌های اسلام است

حرکتی که با ماجرای سلمان رشدی ملعون در دهه شصت و کتاب آیات شیطانی آغاز شد و با واکنش قاطع و تاریخی حضرت امام رحمت الله علیه مواجه شد، ادامه یافت و زنجیره‌ای از اقدامات را شکل داد. با یک زاویه نگاه تمدنی باید گفت این زنجیره اقدامات، کنش غرب در برابر اسلام نیست، بلکه واکنش غرب است به اتفاقاتی که اسلام و انقلاب اسلامی در دنیا رقم زده است. این اهانت‌های بزدلانه از موضع ترس و انفعال غرب نشأت می‌گیرد؛ دنیا به سمت معنویت، دین و اخلاق گرایش پیدا کرده است و در این گرایش، قرآن و افکار و اندیشه‌های قرآنی نقش و سهم جدی دارد.

در سه چهار دهه اخیر، غربی‌ها، کارنامه بدی در مواجهه با این کتاب مقدس از خود به جا گذاشته‌اند. آنان همین رفتار بزدلانه انفعالی را در برابر شخصیت پیامبر اعظم(ص) هم نشان داده‌اند. پیامبری که متصف به «خُلُق عَظِيم» است؛ پیامبری که همچون «طیبی دَوَّارٌ بِطَبِیْه» بود و پیامبری که قرآن درباره شدت رفتش به مردم می‌گوید: «عَزِيزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَیْكُمْ بِالْمُؤْمِنِیْنَ رَءُوفٌ رَحِیْمٌ». پس این رفتار غرب درباره قرآن کریم و رسول اکرم(ص) با یک نگاه تمدنی، سیستماتیک، ایستمولوژیک(معرفت شناسانه) و هویتی، دقیقاً نشانه ترس غرب از گسترش قرآن و اسلام است و در واقع واکنشی است به این پدیده؛ البته واکنشی غلط و اشتباه.

#### ۳- نتیجه‌ای برخلاف انتظار غربی‌ها

غربی‌ها اشتباه بدی را مرتکب شدند؛ آنها اگر از تاریخ عبرت می‌گرفتند، چنین رفتاری را از خود نشان نمی‌دادند. وقتی خلفای عباسی قبور اهل بیت(ع) و مرقد مطهر امام حسین(ع) را تخریب کردند و بر آن آب بستند، در نهایت چه اتفاقی افتاد؟ راهپیمایی میلیونی اربعین را ببینید تا نتیجه را متوجه شوید. آنها چه هدفی داشتند اما امروز چه اتفاقی در حال رقم خوردن است! اگر خلفای عباسی به اهداف خود رسیدند، امروز هم غربی‌ها به هدفشان خواهند رسید. اگر بنی امیه از واقعه کربلا به نتیجه رسیدند، امروز هم به نتیجه خواهند رسید. دشمنان قرآن، سر قرآن ناطق را بریدند تا صدای قرآن را خاموش کنند، اما سر بریده، شهر به شهر بر روی نیزه قرآن خواند و خواب ستیزندگان قرآن را بر هم زد.

آنان حتی از تاریخ معاصر و همین چندین سال قبل هم درس نمی‌گیرند؛ سلمان رشدی تحت حمایت غرب، آن اهانت شنیع را به ساحت پیامبر اعظم(ع) مرتکب شد؛ نتیجه چه شد؟ در همان سال راهپیمایی بی سابقه یک میلیون نفری در انگلیس در دفاع از قرآن شکل گرفت و او تا همین امروز هم تحت مراقبت شدید امنیتی زندگی می‌کند و یک چشم خود را هم از دست داده است!

تخریب پی در پی قبر مطهر ابا عبدالله(ع) در زمان خلفای عباسی، تخریب قبور ائمه بقیع(ع)، تخریب مساجد و مقدسات اسلامی در جنگ‌های صلیبی، تالیف کتاب آیات شیطانی، کشیدن کاریکاتور موهن از پیامبر اکرم(ص) و توهین‌ها و تخریب‌های دیگر در طول تاریخ به مقدسات اسلامی، همگی اثر عکس داشت و بر تعداد علاقه‌مندان به اسلام افزود. بی تردید این سنت الهی درباره حادثه تلخ سوزاندن قرآن نیز جاری است. به شرط مقاومت و پایداری اهل حق.

جدای از عبرت تاریخی، وعده قرآن هم همین است: «بیریدون لیطفئوا نور الله بافواهمم والله متم نوره و لو کره الکافرون». این آیه شریفه، دقیقاً همین ماجراهای تلخ را روایت می‌کند. آنان اراده کرده اند که نور خدا، نور قرآن و نور پیامبر را خاموش کنند؛ اراده کرده اند که نور عشق و محبوب و معشوق دو میلیارد مسلمان را خاموش کنند، اما هیبت‌ها که این وعده قرآن است: «والله متم نوره». هر چند کافران اراده کرده اند، طراحی و برنامه ریزی کرده اند، اما خدا اراده کرده که نور خودش را کامل کند، هر چند کافران خوش نداشته باشند. مگر ظلمت و تاریکی می‌تواند جلو نور را بگیرد؟ مگر باظلمت می‌توان به جنگ نور رفت؟ مگر «عدم» می‌تواند به نبرد با «وجود» برود؟ پس چنین چیزی محال است. رهبر انقلاب در تعبیری درباره مستکبرین عالم فرمودند: «این احمق‌ها؛ وقتی عمیق می‌نگریم، می‌بینیم واقعاً «احمق» هستند. امام سجاد(ع) فرمودند: «الحمد لله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء». در همین اهانت‌های اخیر مجله فرانسوی فیگارو در گزارشی نوشته است که بعد از ماجرای هتک حرمت به قرآن کریم، آمار خرید قرآن ترجمه شده در سایت آمازون به شدت افزایش یافته است.

#### ۴- طراحی نشانه شناختی

نکته مهم دیگری که همین آیه اخیر به آن اشاره می‌کند، طراحی، برنامه ریزی و نقشه دشمن است؛ می‌فرماید: «بیریدون» یعنی «اراده» کرده اند؛ «برنامه ریزی» کرده اند. در ماجرای اهانت‌های اخیر به صحنه نگاه کنید؛ طراحی و نقشه این اقدام کاملاً واضح است. برخی شواهد نشانه‌شناختی این نقشه و طراحی را مرور می‌کنیم: «انتخاب روز عید قربان» برای ارتکاب این جنایت؛ «انتخاب یک مسجد» به عنوان مکان اجرای نقشه، «با حکم و اجازه دولت سوئد» و «همراهی پلیس»؛ یعنی حکومت و دولت، پشت این ماجراست. اینکه دادستان‌های سوئدی مجوز قرآن‌سوزی را صادر کرده و «پلیس» نیز امنیت فرد هتاک در مقابل سفارتخانه کشورهای مسلمان را تضمین کند، یعنی ما با یک «اقدام فردی» مواجه نیستیم. می‌خواهد در روایت رسانه‌ای، دو قطبی مدنظر خود را در دنیا تشدید کند و روایت مطلوبش را به مردم دنیا ارائه دهد.

قرآن‌سوزی در جلوی مسجد مسلمانان و در تقارن با عید سعیدقربان را بایستی پیامدی در راستای جنگ رسانه‌ای غرب در جهت غلبه بر افکار عمومی در تجویز نسخه لیبرال دموکراسی غربی در مقابل بنیادگرایی خشن اسلامی که مولود خود آنهاست، دانست تا در پس این دو قطبی سازی، با هدف به حرکت انداختن چرخ‌های فرهنگی نئوکولونیالیسم (استعمار نو) و تشکیل حکومت آریستوکراسی در بعد جهانی و در شکل نهایی آن، بتوانند به حکمرانی خیالی صهیونیسم دست یابند.

## ۵- آتش گلستان می شود

آتش زدن و سوزاندن مقدسات، همواره منطق نمرودیان تاریخ بوده و نشانه استیصال و درماندگی‌شان. قرآن از زبان آنها می‌فرماید: «حَرِّقُوهُ وَأَصْرُوا أَلْهَتَكُمْ»؛ نمرودیان گفتند: «ابراهیم را آتش بزیند و خدایانتان را یاری دهید»؛ اما نتیجه چه شد؟ به امر خداوند آتش بر ابراهیم گلستان شد. نه تنها صدای ابراهیم خاموش نشد، بلکه پیامبر توحید شد و امروز، مراسم باشکوه و آئین عمیق حج، یادگار حضرت ابراهیم(ع) است. اما غربی‌ها از درک این سنت‌ها، امدادها و رخدادهای الهی عاجزند. آنان تحت سنت املاء و استدرج الهی گرفتار شده‌اند.

نکته دیگر اینکه منطق «سوزاندن»، نشانه بن بست و استیصال نمرودیان هم هست. وقتی در برابر منطق توحید، پیامبر خدا و قرآن، حرفی برای گفتن ندارند و توان مقابله ندارند، مجبور می‌شوند آن را آتش بزنند. وقتی یک طرف دعوا (غرب) بجای سخن و مباحثه منطقی، به سوزاندن و تخریب و تمسخر و توهین به مقدسات طرف مقابل(اسلام) روی می‌آورد، باید بدانیم که از دورن تهی و رو به افول است.

سومین نکته اینکه همه این ماجراها و اهانتها برای دنیای اسلام و ملت‌های مسلمان، گلستان خواهد شد. این بار هم همچون دفعات قبل، این اقدام منجر به شکل‌گیری موج بزرگ حرکت به سمت قرآن و کشش به سمت قرآن -یا به تعبیر خود غربی‌ها «تشنه»- خواهد شد و قلوب و عواطف و دل‌ها و مغزها و عقول، بیش از گذشته متوجه قرآن خواهد شد. به عبارت دیگر، هم در لایه بینش، هم در لایه کشش و گرایش و هم در لایه کنش و رفتار، موج مراجعه و رجوع و رجعت به قرآن را خواهیم دید. امروز قرآن، این معجزه پیامبر اعظم(ص)، طبق گزارشهای رسمی بین‌المللی، پرتیراژترین کتاب در جهان است.

## ۶- نشانه‌های ایمان و امید

در این ماجرا نشانه‌های ایمان و امید فراوان است. دوگانه‌ای که رهبر انقلاب در حرم امام، درباره ایمان و امید فرمودند، شبیه یک ترکیب شیمیایی است، نه ترکیب فیزیکی که ایمان جدای از امید و امید جدای از ایمان باشد؛ یعنی ایمان و امید با هم یک ترکیب مزجی شکل می‌دهند. این نشانه‌ها امروز در غرب به وضوح مشاهده می‌شود. گرایش گسترده‌ای به قرآن و به مفاهیم قرآنی و به دین اسلام شکل گرفته است که بر همین اساس است که آنها این اتفاقات را برنامه ریزی کرده‌اند. اما «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»

## ۷- خط مشترک پیامهای امام و آقا

وقتی به متن پیامهای حضرت امام و رهبر انقلاب در موارد مشابه اهانت به قرآن یا پیامبر اعظم مراجعه می‌شود، با یک متن کاوی مشخص می‌شود که یک نقطه مشترک در همه این پیامها وجود دارد؛ آن نقطه مشترک توجه دادن به «طراحان اصلی پشت پرده» و «نقطه کانونی نبرد تمدنی اسلام و غرب» است. مساله، صرفاً یک فرد یا حتی یک دولت اروپایی نیست. برخی‌ها در تحلیل اهانت اخیر، ماجرا را به اقدامات «جریان راست‌گرای افراطی» در اروپا تقلیل می‌دهند؛ گویی بقیه اروپایی‌ها معتدل هستند و اسلام ستیزی و اسلام هراسی کار یک گروه افراطی است! در حالیکه دشمنی غرب با قرآن و اسلام، ریشه‌ای عمیق، تاریخی و معرفتی است. حضرت امام(ره) در پیام اعلام ارتداد سلمان رشدی می‌فرمایند:

«به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و

هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان شاء الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. و السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته.»

شدت برخورد و حدت حکم به حدی بود که غریبها را شوکه و در نهایت منفعل کرد؛ با توجه به مسلمان بودن رشدی و هندی تبار بودن او، غریبها می خواستند این روایت اهانت آمیز از پیامبر را به خود مسلمانان نسبت دهند، اما شدت برخورد حضرت امام و تاکید ایشان بر برخورد با ناشران و عوامل دیگر در کنار برخورد با نویسنده، به گونه ای بود که غرب را مجبور به واکنش کرد و در واقع طراحی غریبها در تقابل با اسلام، عیان شد.

نمونه دیگر پیام رهبر انقلاب در پنجم بهمن سال گذشته در پی اهانت به قرآن کریم بود؛ ایشان فرمودند:

«اهانت جنون آمیز به قرآن با شعار آزادی بیان نشان میدهد هدف حملات استکبار، اصل اسلام و قرآن است. علی‌رغم توطئه استکبار، قرآن روزبه‌روز پرفروغ‌تر شده و آینده از آن اسلام است. همه آزادی‌خواهان جهان باید در کنار مسلمانان با سیاست پلید توهین به مقدسات و نفرت‌پراکنی مقابله کنند.»

این پیام کوتاه هم چند نکته مهم داشت؛ اما اصلی‌ترین آنها این بود که ما با یک شخص یا دولت طرف نیستیم؛ «دنیای استکبار» در مقابل ما قرار دارد. پیام اخیر ایشان هم در پی قرآن سوزی‌های یک ماه گذشته مجدداً بر همین مساله تاکید دارد:

«جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد، حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطرآفرین است. اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است، دولت سوئد نیز باید بداند که با پشتیبانی از جنایتکار، در برابر دنیای اسلام آرایش جنگی گرفته و نفرت و دشمنی عموم ملت‌های مسلمان و بسیاری از دولت‌های آنان را به سوی خود جلب کرده است. وظیفه آن دولت آن است که عامل جنایت را به دستگاه‌های قضایی کشورهای اسلامی تحویل دهد.» توطئه‌گران پشت صحنه " نیز بدانند که حرمت و شوکت قرآن کریم روز به روز افزونتر و انوار هدایت آن درخشان‌تر خواهد شد، امثال این توطئه و عاملان آن، حقیرتر از آنند که بتوانند جلوگیری از درخشش روزافزون باشند. والله غالب علی‌آمره»

رهبر انقلاب در این پیام، به صراحت از «توطئه‌گران پشت صحنه» سخن می‌گویند. در این پیام بر خلاف پیام‌های قبلی، رهبر انقلاب به «فرد اهانت کننده» هم اشاره کرده اند؛ این اشاره هم بسیار هوشمندانه و دقیق بوده است؛ چرا که غربی‌ها و اروپایی‌ها در ساحت رسانه و روایت تمام تلاش خود را کرده اند تا فرد هتاک را به عنوان یک «عراقی» و «تبعه یک کشور اسلامی» معرفی کنند و در دنیا این روایت را غالب کرده اند که این اقدام از سوی خود مسلمانان و علی‌الخصوص ایرانیان طراحی شده برای بدنام کردن غرب! اما رهبر انقلاب با مطرح کردن مساله تحویل عامل جنایت، روایت غرب را به چالش کشیدند. اگر آنها او را تحویل دهند، اعدام کمترین مجازاتش خواهد شد و ادعای غرب باطل می‌شود؛ اگر او را تحویل ندهند - که نخواهند داد چون عامل خودشان است - باز هم ادعای آنها باطل می‌شود و سخن رهبر انقلاب تایید.

## ۸- نبرد تمدنی

دعوی اسلام و انقلاب اسلامی با غرب که یک نمودش در همین آتش زدن و جسارت به قرآن ظهور پیدا کرده، یک دعوی «تمدنی» و «معرفتی» است. وقتی ما عرصه نبرد را به درون خاک کشورهای غربی و اروپایی و در دل تمدن او برده ایم و از میان شهروندان غربی و اروپایی در کشورهای آمریکا، فرانسه، ایتالیا، آلمان، کانادا، شرق آسیا و آفریقا به نفع اسلام یارگیری می‌کنیم، مسلمان می‌شوند، محجبه می‌شوند، عاشق قرآن می‌شوند و ...، طبیعی است که او هم در مقابل طراحی خواهد کرد. یک روش مقابله او، در خیابانهای تهران و شهرهای ایران است که از میان جوانان و نوجوانان مسلمان ایرانی یارگیری می‌کند و شاهد بعضی صحنه‌ها و رفتارهای تلخی می‌شویم که در شان حکومت اسلامی نیست. نمونه و روش دیگر هم همین اقدامات بزدلانه جسارت و اهانت به قرآن است.

سطح و عمق این دعوا، درگیری و نبرد باید برای مردم تبیین شود. این ماجرا، دعوی خرد جزئی بین افراد، آدمها و تصورات ذهنی چند نفر یا حتی چند کشور نیست؛ یک دعوی تمدنی و تاریخی است. ادامه همان نبرد هابیل و قابیل است؛ از جنس ماجرای فرعون و موسی، ابراهیم و نمرود، عیسی و جریانات بنی اسرائیل منحرف و ادامه نبرد و درگیری حضرت رسول اعظم(ص) با ابولهب و ابوجهل و ابوسفیان است. همان ماجرای علی(ع) و معاویه، حسین بن علی(ع) و یزید و ماجرای امام رضا(ع) و مامون است.

## ۹- ترس غرب از حرفهای نو قرآن

دشمن مستکبر غربی وقتی قرآن را آتش می زند، در واقع آموزه‌ها و ارزش‌ها و مفاهیم قرآن را می سوزاند و شخصیت و ماهیت و ذات خودش را نشان می دهد که با چه مفاهیم و آموزه‌هایی مخالف است. آموزه‌های قرآن چیست؟ وقتی قرآن می گوید رباخواری جنگ با خداست، طبیعی است که بزرگترین رباخواران عالم و صاحبان بانک‌ها و کارتل‌های جهانی از این حرف عصبانی می شوند. قرآن برای زن و مرد ارزش شخصیتی برابر قائل می شود:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»  
(نحل: ۹۷)

و مردان را به رفتار نیک با زنان سفارش می کند:

«وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» و با همسرانتان به طور شایسته رفتار کنید و اگر از آنها (به جهاتی) کراهت داشتید (فورا تصمیم به جدایی نگیرید) چه بسا از چیزی کراهت دارید و خداوند در آن خیر فراوان قرار داده است. «(نساء: ۱۹)

و مقام معنوی زن را آنقدر باارزش می داند که می تواند الگوی زنان و مردان عالم نیز باشد:

«وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» و خداوند مثلی برای مؤمنان زده، به همسر فرعون، در آن هنگام که گفت پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و عمل او نجات ده، و مرا از قوم ظالم‌رهایایی بخش.»  
(تحریم: ۱۱)

«وَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ جَعَلْنَاهَا وَ ابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ» و به یاد آور زنی را که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی پاک نگه داشت، و ما از روح خود در او دمیدیم، و او و فرزندش (مسیح) را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم. «(انبیاء: ۹۱)

«وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: "ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته، و بر تمام زنان جهان، برتری داده است." «(آل عمران: ۴۲)

طبیعی است غرب که امروز در مسئله زن متهم اصلی است و هویت و شخصیت زن را با افراط و تفریط و اشتباهات متعدد نابود کرده و خانواده و روابط عاطفی زن و مرد و فرزندان و والدین را از هم پاشانده است، از وجود این مفاهیم متعالی در قرآن عصبانی شود و در صدد مقابله برآید.

قرآن از «سبک زندگی اسلامی» و از «خانواده» سخن می گوید؛ تمدن غرب درست در نقطه مقابل، برای از بین بردن خانواده و نسل بشر و «احتناک ذریه» برنامه ریزی کرده است:

«سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ»؛ هنگامی که روی بر می گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می‌سازند. «(بقره: ۲۰۵)

«قالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا» (سپس) گفت این کسی را که بر من ترجیح داده‌ای اگر تا روز قیامت مرا زنده بگذاری همه فرزندانم را جز عده کمی گمراه و ریشه کن خواهم ساخت!» (اسراء: ۶۲)

بنابراین از قرآن عصبانی است و به مقابله برمی‌خیزد.

قرآن مفهوم واقعی «آزادی» را برای انسانها معنا می‌کند؛ و آن رهایی از بند و بردگی هرچه و هرکه غیر از خداست: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ و (پیامبر(ص)) بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد.» (اعراف: ۱۵۷)

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد) سپس او را به محل امنش برسان چرا که آنان گروهی ناآگاهند.» (توبه: ۶)

و پرده از نفاق غرب که با شعار دروغین «آزادی»، زنان را همچون بردگان جنسی، اسیر «فحشاء» می‌کند، برمی‌دارد: «وَ لَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ و کنیزان خود را برای تحصیل متاع دنیا مجبور به خودفروشی نکنید اگر آنها می‌خواهند پاک بمانند.» (نور: ۳۳)

قرآن برخلاف خواست غربی‌ها، از کسانی که با او مانوس باشند، انسانهایی «مجاهد» و «شجاع» می‌سازد: «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمائید.» (حج: ۷۸)  
«وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً هدایتشان خواهیم کرد و خدا با نیکوکاران است.» (عنکبوت: ۶۹)

قرآن به انسانها «اعتماد به نفس» می‌دهد تا علی‌رغم میل غربی‌ها، خود را از زیر بار زورگویان و ظالمان خارج سازند: «وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و سست نشوید و غمگین مگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.» (آل عمران: ۱۳۹)

قرآن روح «استقلال طلبی» را در انسانها زنده می‌کند و آنان را از گرایش فکری و قلبی به افراد و حکومت‌های ظالم و تبعیت از آنان منع می‌کند:

«وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فرو گیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید.» (هود: ۱۱۳)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرْذُوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید شما را به عقب باز می‌گردانند و سرانجام زیانکار خواهید شد.» (آل عمران: ۱۴۹)

و آنان را به مقاومت در برابر ظالمان و زورگویان و مبارزه با آنان دعوت می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که گفتند پروردگار ما الله است، سپس استقامت به خرج دادند نه ترسی برای آنهاست و نه غمی دارند.» (احقاف: ۱۳)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ؛ ای پیامبر! با کفار و منافقین پیکار کن و بر آنها سخت بگیر، جایگاهشان جهنم است و بد جایگاهی است.» (تحریم: ۹)

قرآن در دنیایی که نسخه های غربی نتوانستند ناهنجاری های روحی انسان را درمان کنندف برای دردها و ناهنجاری های روحی انسانها نسخه شفابخش و مؤثر دارد:

«وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛ قرآن را نازل می کنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است.»  
(اسراء: ۸۲)

قرآن، در دنیایی که نسخه های دروغین غربی نتوانستند انسان را به آرامش روحی برساند، راه درست رسیدن به «آرامش» را برای انسانها ترسیم می کند و انسانها در مقابل مسیری که عرفانهای کاذب برایشان ترسیم می کنند، قرار می دهد:

«لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آنها کسانی هستند که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است، آگاه باشید با یاد خدا دلها آرامش می یابد!» (رعد: ۲۸)

قرآن کتاب «امید» است. آیه آیه قرآن انسان را نسبت به آینده امیدوار می کند:

«سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا؛ خداوند به زودی بعد از سختیها آسانی قرار می دهد.» (طلاق: ۷)

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند \* و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد.» (طلاق: ۳-۲)

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.» (زمر: ۵۳)

قرآن برخلاف میل و خواست غربی ها، به انسانها وعده تشکیل حکومت عادل توحیدی و تمام شدن بساط ظلم و زورگویی می دهد:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند وعده می دهد که آنها را قطعا خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند.» (نور: ۵۵)

«وَوَرِثُوا الْأَرْضَ وَ نَجَعْنَاهُمْ أُمَمًا وَ نَجَعْنَاهُمُ الْوَارِثِينَ؛ اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم، و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم!» (قصص: ۵)

قرآن برخلاف ادعای دروغین غرب و برخلاف فرهنگ نژاد پرستانه غرب، برای انسان ها از هر رنگ و نژاد و قومیتی کرامت قائل است و همه را به لحاظ بشری یکسان می داند و ملاک برتری را فقط و فقط در میزان تقوا و تبعیت از خداوند می داند:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم، و از انواع روزیهای پاکیزه به آنها روزی دادیم، و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم.» (اسراء: ۷۰)

«يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است.» (حجرات: ۱۳)

قرآن برخلاف فرهنگ و سبک زندگی غربی، روح تعاون، ایثار و مواسات را در انسانها زنده می‌کند: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* وَالَّذِينَ جَاؤُا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ و برای کسانی که در دار الهجرة (سرزمین مدینه) و در خانه ایمان، قبل از مهاجران، مسکن گزیدند، آنها کسانی را که به سويشان هجرت کنند دوست می‌دارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند، و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند شدیداً فقیر باشند، کسانی که خداوند آنها را از بخل و حرص نفس خویش بازداشته رستگارند. \* و کسانی که بعد از آنها آمدند و می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی.» (حشر: ۱۰-۹)

این مضامین و صدها مضمون متعالی دیگر، در تعارض قطعی با اهدافی است که دنیای غرب و استکبار برای بردگی انسانها دنبال می‌کنند. بنابراین آموزه‌ها و معارف قرآن بدون هیچ توضیح اضافه‌ای، پایه‌های تمدن غرب را به لرزه در می‌آورد. اگر مردم صدای قرآن را بشنوند و با مفاهیم و مضامین متعالی آن آشنا شوند، دیگر به سراغ سایر مکاتب در عالم نخواهند رفت، و بلکه با آن معارضه خواهند کرد.

رهبر انقلاب در هر دو نامه‌ای که به جوانان اروپایی نوشتند، به آنان توصیه کردند قرآن را بدون واسطه بخوانید. همین که فرد قرآن را بخواند عاشق و مجذوب آن می‌شود و جذبه نورانی قرآن او را فرا خواهد گرفت. به تعبیر دیگر این اقدامات غربیها در جسارت و اهانت به قرآن ادامه همان رفتار مشرکین مکه است که به یاران خود می‌گفتند در گوشه‌ایتان چیزی فرو کنید تا آیات قرآن را نشنوید؛ اما خودشان مخفیانه می‌رفتند و به آیات گوش می‌دادند:

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ؛ کافران گفتند: گوش به این قرآن فرا ندهید، و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید تا پیروز شوید!» (فصلت: ۲۶)

چون فهمیده بودند جنس این کلام با کلام بشری متفاوت است و اگر به گوش فرد برسد لاجرم بر دل می‌نشیند و او را جذب می‌کند. در واقع این فرد توهین کننده و افراد قبل از او تا سلمان رشدی، نسخه‌های به روز شده و امروزین ابوجهل و ابولهب هستند.

## ۱۰- قرآن دروغ‌های غرب را برملا کرده است

دنیای غرب در معانی فلسفی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تمدنی‌اش - نه به معنای غرب جغرافیایی - در چهار پنج اخیر و پس از قرون وسطی ادعاهایی را مطرح کرده و در حوزه علم، معرفت‌شناسی، فلسفه، علوم انسانی و اجتماعی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و ...، تئوریه‌ها و نظریاتی را مطرح کرده، که تقریباً همه دنیا را تحت تاثیر خود قرار داده است؛ تئوری‌هایی همچون لیبرالیسم، دموکراسی در مقابل تئوکراسی، پلورالیسم و تکثرگرایی، نسبی‌گرایی معرفت، هرمنوتیک، سکولاریسم، اومانیزم و ...؛ اما در عمل چه اتفاقی افتاده است؟ قرآن و اسلام کاری کرده است که غربی‌ها مجبور شدند در عمل و به دست خودشان دروغ بودن و باطل بودن همه ادعاهای خود را نشان دهند. در مقام تئوری و فلسفه بافی دم از لیبرالیسم، آزادی، آزادی بیان و عقیده و اندیشه می‌زنند، اما در عمل هرکس با نظرات آنها موافق باشد، با موشک و بمب فسفری و زندان گوانتانامو پاسخش را می‌دهند. در کتابها و تئوریه‌ها و رسانه‌هایشان مدعی دموکراسی و مردم‌سالاری هستند؛ اما بی‌اعتنا به نظر دو میلیارد انسان عاشق قرآن، کتاب محبوب این مردم را آتش می‌زنند.



در دانشگاهها تئوری بافته اند که در مقام معرفت و اندیشه و به ویژه در حوزه دین، قائل به «تکثرگرایی» و «پلورالیسم» هستیم؛ اما کتاب مقدس یکی از بزرگترین ادیان الهی دنیا را به آتش می کشند؛ چون آن را قبول ندارند. با درست کردن تئوریهای «هرمنوتیک» در برداشت و شناخت دین، حق و واقعیت، قائل به «نسبیت» شده اند و مدعی اند حق و باطل معنا ندارد: «هم تو درست می گویی، هم من»؛ اما در عمل، به قرآن اهانت می کنند؛ به کتابی اهانت می کنند که ۱۱۴ فصل دارد و هر فصلش با رحمت و مهربانی خدا آغاز می شود. کتابی که سراسرش مهربانی، صلح، آرامش و زندگی است.

در واقع اکنون ما با یک «فاشیسم» اروپایی و غربی روبرو هستیم؛ یک نوع «هیتلریسم»؛ مانند «هیتلر» که از دل «لیبرالیسم» بیرون آمد. به هر کتاب «اندیشه سیاسی» در غرب که بنگرید، از «هابز» تا «جان لاک» و دیگران و همینطور دنباله روهای داخلی شان، مدام از دموکراسی غربی تمجید می کنند و کلماتی مثل «آزادی بیان»، «حقوق اقلیتها»، «مبارزه با نژادپرستی» و .. را به صورت پربسامد تکرار می کنند، اما در عمل و در مقابل چشم همه مردم دنیا، با یک رفتار نژادپرستانه، کتاب محبوب و دوست داشتنی دو میلیارد انسان را آتش می زنند و به آن جسارت می کنند و اصلاً به روی خود نمی آورند که آن کلمات پرمطراق حقوق اقلیتها و آزادی بیان و تکثرگرایی و ... چه می شود؟!

### ۱۱- به بن بست رسیدن غرب

ریشه این واکنشهای از سر عصبانیت غرب به کدام کنش ما برمی گردد؟ تا حدود شصت سال قبل دو اتوبان معرفتی، فکری، سیاسی و فلسفی در جهان بیشتر وجود نداشت که هر دوی آنها هم در دل تمدن غرب شکل گرفته بودند. «اتوبان لیبرالیسم» و «اتوبان سوسیالیسم». اما حدود شصت سال قبل، نهضتی شکل گرفت بر پایه «اسلام ناب» که پایه ریزی یک اتوبان جدید اندیشه‌ای، معرفتی، هویتی و نظری در جهان بود که این نهضت موفق شد چهل و پنج سال قبل، یک ساختار و نظام سیاسی و حکومتی را هم بنا کند. خود غریبه‌ها معتقدند که از اینجا لیبرالیسم و سوسیالیسم پایانش آغاز شد و اکنون می گویند به پایان رسیده اند.

فوکویاما که قبلاً گفته بود لیبرالیسم، پایان تاریخ است، سال گذشته در یادداشتی اعتراف کرد که لیبرالیسم هم به بن بست خورده؛ همان بن بست که قبل از آن سوسیالیسم گرفتارش شده بود. اساساً غربی‌ها وقتی مدرنیسم به بن بست خورد، نظریات جدید مثل پست مدرن یا ترنس مدرن را مطرح کردند تا شاید بخشی از بحران‌هایی که برای زندگی انسانها ایجاد کرده اند، التیام پیدا کند. غرب حدود نوزده بحران در دنیا ایجاد کرده است. خودشان فهرست کرده اند: «بحران هویت»، «بحران معنویت»، «بحران خانواده»، «بحران پوچی»، «بحران خودکشی»، «بحران تنهایی»، «بحران محیط زیست» و ... .

طبیعتاً بخشی از مردم و اندیشمندان درون تمدن غرب معترض شدند به اندیشه‌ها و نظریه‌هایی که این بحرانها ناشی از آنها بود. اتفاقی که در اینجا طی شصت سال گذشته رخ داده این است که یک صدای دیگری هم بلند شده است. حرف اسلام در جهان شنیده شده و غریبه‌ها دیدند سخن و حرف و نظر و ایده دیگری هم برای زندگی وجود دارد. حرف اسلام هم حرف خداست، نور است و نمی شود جلو آن را گرفت؛ به همین دلیل، به فکر مقابله و واکنش افتادند.

پس اینکه غرب به بن بست رسیده است، یک شعار نیست؛ واقعیتی است که اندیشمندان غربی به آن معترفند. رهبرانقلاب در بیانیه گام دوم می فرمایند غرب رو به اضمحلال است. غرب در حال احتضار را می توان با روایت خود غربی‌ها، اساتید دانشگاههای غرب و بزرگان علم خودشان بیان کرد. نه حرفهای علمی «هایدگر» و «رنه گنون» که برای دهه های قبل است؛ سخنان اساتید متاخرشان این بن بست و اضمحلال را تأیید می کند.

نکته ای که پیش از این اشاره شد در مورد تناقض ادعاهای غرب و نوع مواجهه‌شان با قرآن، در واقع نشانه ای است از بن بست فلسفی و اندیشه ای غرب. یک رسوایی تمدنی برای غرب است که باید مدام از سوی ما روایت شود. غرب دچار بحران فلسفه سیاسی است. همواره از «صلح» سخن گفته، اما در برابر کتابی که مملو از پیام صلح است، خشن ترین رفتارها را از خود نشان می دهد. اگر تاکتیکی و با عقل ظاهری هم نگاه کنیم، این رفتار غربی‌ها خلاف عقل است؛ خلاف فطرت است؛ خلاف حقوق بشری است که

خودشان مدعی آن هستند؛ خلاف آزادی و اعتدال هم هست. تا جایی که در روایت رسانه ای مجبورند بگویند این کار یک گروه افراطی راست گراست!

اهانت به قرآن، اهانت به فکر و اندیشه هم است. اهانت به نظریه و تئوری است. اهانت به متفکران و اندیشمندان است. قرآن کتابی است که باهوش ترین نخبگان اعصار بر آن تفسیر و شرح و توضیح نوشته اند و امروز دو میلیارد انسان بر اساس این کتاب، زندگی می کنند و زیستشان با قرآن است؛ بنابراین اهانت به این کتاب، با گرفتن ژست دموکراسی و آزادی بیان، یک مضحکه است؛ اما غریبها همچنان بر این رفتار مضحک اصرار دارند.

چرا باز هم مرتکب آن می شود؟ چون چاره ای ندارد و به بن بست خورده است. این که متوسل به یک انسان لثیم شوی و دست به کاری پست بزنی، بعد بخواهی در روایت رسانه ای آن را بزک کنی، در واقع نشان دهنده «استیصال» است.

استیصال و به بن بست رسیدن است که یک جریان متکبر مستکبر نمرودی را به استیصال و آتش زدن مقدسات می کشاند. می توان به وضوح خشم غرب از به بن بست رسیدن راهبردی در دو بعد «سیاسی» و «ایدئولوژیک» را در این ماجرا مشاهده کرد. غریبها در برابر رشد و کمال روز افزون گسترش اسلام در قلب کشورهایشان درمانده شدند؛ اما چون قلوب مریض و مستکبری دارند به جای پذیرش کلام حق، به انکار و بروز رفتارهای متعصبانه و پرخاشگرانه روی می آورند؛ چنانچه قرآن می فرماید:

«كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا؛ آیات ما را تکذیب کردند و از پذیرش آن تکبر ورزیدند» (اعراف: ۳۶).

## ۱۲- قداست قرآن را نمی فهمند

عقل غربی، عقل «ابزاری» است؛ فاقد «عقل قدسی» هستند؛ بنابراین عقلشان نمی تواند درک کند که اقدام آنها چه آثار و عواقبی برایشان خواهد داشت. عقل آنها مفاهیمی همچون قدسیت، قداست و تقدس را درک نمی کند. تقدس قرآن را نمی توانند بفهمند. هرچند در ظاهر به انجیل و تورات، «کتاب مقدس» می گویند؛ اما آن تقدسی که ما در مورد قرآن یا حرم اهل بیت (ع) به کار میبریم را با عقل ابزاری و مادی نمی توانند درک کنند.

«قداست» برای ما چه معنایی دارد؟ اولاً به این معنی است که آن امر مقدس برای ما حرمت، حرم و حریم دارد. برای ما خط قرمز دارد که کسی حق ندارد از آن حریم و خط قرمز عبور کند. ثانیاً نسبت به آن امر مقدس، «غیرت» وجود دارد. «غیرت» هم از مفاهیمی است که غربی ها آن را درک نمی کنند و حتی به مخالفت با آن برخاسته اند.

هویت وجودی مسلمانان، قرآن و عشق و دلدادگی به قرآن است. رابطه مسلمانان با قرآن رابطه ای عاطفی و عاشقانه است. بسیاری از مسلمانان در همه جای دنیا وقتی اخبار اهانت و جسارت به قرآن را می شنوند، از درون آتش می گیرند؛ گویی جانشان می سوزد. قرآن هویت ماست؛ «هویت» آن چیزی است که تعیین کننده عناصر اصلی و شاکله شخصیت ماست. شاکله دنیای اسلام بر مبنای قرآن شکل گرفته است.

یکی دیگر از دلایل تقدس قرآن این است که قرآن صفات خدایی دارد مانند نور؛ قرآن نورانیت دارد. خداوند می فرماید در برابر توطئه کفار: «والله متم نوره»؛ همان طور که «الله نور السماوات و الارض» است؛ قرآن هم در میان صفات هفده گانه ای که برایش بیان شده، صفت «نور» هم دارد.

## ۱۳- خود خدا حافظ قرآن است

خود خداوند وعده قطعی داده است که حافظ قرآن خواهد بود. بنابراین ما از این جهت نگرانی نسبت به قرآن نداریم؛ هرچند از جسارت به کتاب مقدسمان، آتش می گیریم؛ ولی طراحی و نقشه دشمن را هم باید بشناسیم که با چه اهدافی این کار را انجام داده است تا بتوانیم آن را خنثی کنیم. خداوند می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». مرحوم علامه طباطبایی می فرماید «تأکیدات»

این آیه، بی نظیر است. خداوند با چندین تاکید که در چپش این آیه گنجانده، حفاظت از قرآن را اولاً به خودش نسبت داده و ثانیاً آن را یقینی و قطعی کرده است. جلب آنکه خود خداوند در آیات دیگر قرآن باب تحدی به قرآن را هم باز گذاشته و کفار را خطاب قرار داده که اگر می توانید با قرآن مقابله کنید؛ در اینجا هم خودش مسئولیت حفظ قرآن را برعهده گرفته است.

#### ۱۴- غرب دچار «اختلال انفجاری متناوب» است

با زاویه دید روان‌شناسی، شرایط کنونی غرب را میتوان «اختلال انفجاری متناوب» نامید، همراه با رفتارهای عصبی و آنی ناشی از «اختلال دو قطبی» که سالها در مواجهه با آزادی بیان بدان گرفتارند. اکنون هم به دنبال این هستند مانند روزگار قرون وسطی که از گسترش اسلام در برابر فقر فرهنگی و معنوی خود دچار هراس شده بودند، به اعمالی روانی که ناشی از عقده‌گشایی درونی است اقدام نمایند؛ تا بدان جا که صحبت و تحقیق از حقیقت موضوعی تاریخی چون «هولوکاست» و پوشیدن پیراهن ورزشی با شماره خاص جرم و ممنوع می شود، اما اهانت آشکار به مقدسات قشر عظیمی که کتاب الهی آنان همواره سخن از برابری، عدالت و سعادت جمیع انسانها از هر رنگ و نژادی می کند، در زمره حقوق حقه متجاوزان عقیدتی قرار می گیرد. این امر حاکی از آن است که عداوت اصیل جنود شیطان، با حق و حقیقت و نوع بشر و حقوق انسان هاست که نماد آن قرآن کریم است. چنانچه رهبر فرزانه انقلاب حکیمانه فرمودند: «اهانت جنون آمیز به قرآن با شعار آزادی بیان نشان میدهد هدف حملات استکبار، اصل اسلام و قرآن است علی‌رغم توطئه استکبار، قرآن روزبه‌روز پرفروغ‌تر شده و آینده از آن اسلام است.»

#### ۱۵- نقش مسیحیت صهیونیستی در این اهانتها

در تأملی دیگر رفتار موهن دولت سوئد با ژست دفاع از آزادی بیان را همانطور که در نکات قبلی اشاره شد، نباید صرفاً اقدامی سیاسی برای پیوستن به ناتو یا تقابل با ترکیه در تلافی رأی منفی به پیوستن سوئد به ناتو تحلیل کرد. این عمل را باید ناشی و متأثر از تفکرات ایدئولوژیک اوانجلیست‌های افراطی یا مسیحیت صهیونیستی دانست که هدف غایی آنها سيطرة صهیونیسم شیطانی در جهان و مقابله با کلام حق و قرآن است.

بنابراین در سلسله این اتفاقات مترسک‌هایی همچون سلمان رشدی ملعون، تری جونز، لارس تورسن، راسموس پالودان، سلوان مومیکا و... فقط بازیگران کوچک و برده‌های نظام فئودالیسم نوین جهانی هستند و نقش آفرین اصلی، جریان صهیونیسم مسیحی است که از جنگ‌های صلیبی تا امروز با غارت‌مندان وحشی همراه و با رفتارهای سخیف و موهن به جان و روح انسانها تجاوز کرده و کام‌آزاداندیشان و افراد و ملت‌های آزاد را در سراسر جهان برای تحقق حکومت جهانی خیالی صهیونیسم تلخ نموده‌اند.

#### ۱۶- هدف صهیونیستها، خارج کردن دین از زندگی بشر است

شواهد و مستندات محکم و غیرقابل‌انکار نشان می‌دهد که قرآن‌سوزی اخیر در سوئد و دانمارک، خروجی یک ساختار و نقشه است. ما با یک «توطئه مهندسی شده» از سوی نهادهای فکری، امنیتی و رسمی غرب مواجه هستیم که محصول و تصویر نهایی آن، تلاش برای تضعیف جایگاه اسلام و نماد اصلی آن، یعنی کتاب انسان‌ساز و مقدس قرآن کریم است. طی سال‌های اخیر احزاب و گروه‌هایی که صراحتاً ضدیت با اسلام و قرآن را مانیفست حزبی خود تلقی می‌کنند، به‌صورت رسمی در غرب مشغول فعالیت هستند. حتی برخی از این گروه‌ها به پارلمان کشورهای حوزه اسکاندیناوی و دیگر نقاط اروپا راه پیدا کرده‌اند.

افزایش تصاعدی حملات علیه مسلمانان در کشورهای گوناگون اروپایی و عادی جلوه‌دادن توهین به مقدسات اسلامی که نمونه آن را قبلاً در نشریه هتاک فرانسوی شارلی ابدو و اکنون در برگزاری نمایش شرم‌آور قرآن‌سوزی در استکهلم و کپنهاگ مشاهده می‌کنیم، شواهد غیرقابل‌انکاری هستند که اذهان پرسشگر بشری را به‌سوی یک «ساختار» و نه یک «واقعه محدود» هدایت می‌کند.

لابی‌های سنگین موساد با احزاب سنتی و نوینی که در غرب وجود دارند، اعم از سوسیال‌دموکرات‌ها و محافظه‌کاران و خصوصاً احزاب نوظهور اسلام‌ستیز در طول سال‌های اخیر در حال بروز نشانه‌های شوم خود است. بی‌دلیل نیست که هرگونه انتقادی از رژیم صهیونیستی در قالب «یهودستیزی» مورد تفسیر نهادهای امنیتی و رسمی در غرب قرار می‌گیرد و در مقابل، توهین آشکار به کتاب مقدس مسلمانان، به‌مثابه آزادی بیان تفسیر می‌شود.

این تفاسیر دوگانه، برخاسته از همین منظومه فکری-عملیاتی خطرناک است. این منظومه خطرآفرین است، زیرا باهدف ایجاد شکاف‌های مذهبی، نژادی و انسانی در نظام بین‌الملل صورت می‌گیرد. صهیونیست‌ها حیات خود را در گروی ایجاد و تعمیق شکاف‌ها و اختلافات جدید در جهان جست‌وجو می‌کنند و آنچه در سوئد و دانمارک رخ می‌دهد، ترجمانی از همین رویکرد است. از سوی دیگر حمله به دین در جوامع مختلف به‌صورت طبیعی به جریان «نوع‌دوستی» و «هم‌زیستی مسالمت‌آمیز» آسیب می‌زند. وظایف علمای دینی در سرتاسر جهان، هم‌اندیشی معطوف به نتیجه، در خصوص جلوگیری از تأثیر این حوادث بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مردم جهان است.

پس صاحبان قدرت آشکار و پنهان در برخی کشورهای غربی درصدد هستند با هدایت رژیم صهیونیستی و دست‌نشانندگان آن، دین را از صحنه زندگی بشر حذف کنند. غرب در حقیقت هم‌زیستی سالم انسانی در جهان را به‌صورت مشخص هدف قرار داده است. اسلام‌هراسی یک مرحله از این هدف‌گذاری خطرناک محسوب می‌شود و در مراحل بعد، بازی‌گردانان این صحنه به سراغ دیگر ادیان و مذاهب و ارزش‌های نهفته در آنها، خواهند رفت. پس حفظ انسجام بشریت حول محور دین و خداواری، باید به یک دستورالعمل جمعی در سرتاسر دنیا تبدیل شود و هادیان این روند، دولت‌های دغدغه‌مند و علمای دینی در سرتاسر جهان خواهند بود.

#### ۱۷- سوزاندن قرآن سوزاندن همه کتب آسمانی است

نکته مهم دیگر در این ماجرا این است که سوزاندن قرآن، در واقع سوزاندن همه کتب آسمانی است و فقط سوزاندن کتاب مقدس مسلمانان و مومنان به حضرت رسول اعظم(ص) نیست. چون قرآن مصدق و موید همه کتب آسمانی قبل از خودش است. مصدق تورات و انجیل و زبور است. جامع تمام کلماتی است که همه پیامبران الهی از جانب خدا آورده‌اند؛ پس سوزاندن و بی‌احترامی به قرآن بی‌احترامی به همه کتب آسمانی است. جالب آنکه هیچ مسلمانی در هیچ کجای جهان سابقه اهانت به انجیل یا تورات (حتی همین انجیل و تورات تحریف شده) را ندارد.

همچنین با توجه به مصدق بودن قرآن، این اقدام موهن نباید تقابل اسلام با مسیحیت یا رویارویی ادیان با یکدیگر قلمداد شود؛ دقیقاً برخلاف روایتی که غرب به دنبال ارائه آن است. این اقدامات نشأت گرفته از تفکر مسیحیت فعلی نیست؛ ناشی از تفکرات شیطنانی جریان صهیونیسم مسیحی است که برای از میان بردن تمامی ادیان توحیدی و در رأس آن اسلام برنامه ریزی و طراحی کرده‌اند.

#### ۱۸- سنجش حساسیت مسلمین

یک نکته دیگر در تحلیل این نوع رفتار غریبه‌ها همواره باید مد نظر قرار بگیرد و آن سنجش میزان حساسیت دنیای اسلام نسبت به این اهانت‌هاست. این سنجش می‌تواند برای فهم شرایط اقدامات بعدی و برداشتن گام‌های بعدی‌شان و برای فهم میزان موفقیتشان در کمرنگ کردن حساسیت‌های دینی در میان ملت‌های مسلمان باشد. از این رو، موج فراگیر شده در کشور ما و دیگر کشورها مانند عراق که حتی هنرمندان و ورزشکاران هم موضع گرفتند، بسیار خوب بود. در ایام دهه اول محرم هم در ایران همه هیئات عزاداری موجی علیه این اهانت راه انداختند. در فضای مجازی هم در همه موارد پیش آمده، در دنیای اسلام و داخل ایران، موضوعات علیه اهانت به قرآن داغ و فراگیر شده است.

هرچند همانگونه که پیش از این نیز بیان شد، اصل این اقدامات ناشی از عصبانیت غریبه‌هاست، اما یکی از اهداف پیرامونی غرب در این نوع اقدامات، «قیح‌شکنی» و «کاهش غیرت دینی مسلمین» است؛ عصبانیت آنها هم ناشی از عقل محاسبه‌گر مادی آنهاست

که توان تحلیل درست را از آنان گرفته و هم ناشی از خطای دستگاه روشگانی آنهاست که مبتنی بر همان نظریات به بن بست رسیده است. در پاسخ به این عصبانیت غربی ها باید آیه ۱۱۹ سوره آل عمران را خواند که می فرماید: «قُلْ مُوتُوا بِغِيضِكُمْ...».

## ۱۹- منطق قوی قرآن

اما در برابر بی منطقی و رفتار شنیع و پست غربیها، منطق ما چیست؟ اولاً ما این رفتار را از سوی مردم اروپا و آمریکا و مردم سایر کشورهای دنیا نمی دانیم. ثانیاً منطق قرآن، منطق گفتگو و دعوت به توافق بر سر مشترکات است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا».

قرآن می فرماید اگر مشرکی خواست کلام خدا را بشنود و تصمیم بگیرد که آیا مسلمان شود یا نه؟ باید از سوی مسلمانان فضای امنی برای او ایجاد شود تا بدون ترس کلام خدا را بشنود و آزادانه تصمیم بگیرد:

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و اگر

یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد) سپس او را به محل

امنش برسان چرا که آنان گروهی ناآگاهند.» (توبه: ۶)

در سیره رهبران انقلاب ما نیز این نوع تعامل با پیروان سایر ادیان و مذاهب وجود دارد. حضرت امام به گورباچف نامه نوشتند و هیچ حرف سیاسی در نامه نزدند؛ از ملاصدرا و ابن عربی و قرآن و اسلام سخن گفتند. رهبر انقلاب دوبار به جوانان اروپایی نامه نوشتند. حضرت آیت الله جوادی آملی چند سال قبل پیام رهبر انقلاب به اجلاس جهانی گفتگوی ادیان را بردند. بنابراین منطق ما منطق گفتگوست؛ البته نه «گفتگوی تمدن‌ها» که بر پایه «جنگ تمدن‌های هانتینگتون» شکل گرفته و در پارادایم ما نیست؛ ما به گفتگوی ادیان و فرهنگ‌ها معتقدیم. بنابراین ما امروز باید در قبال این ماجرا باز هم منطق متعالی و مترقی اسلام و قرآن که منطق گفتگوست را مطرح و بیان کنیم.

## ۲۰- افزایش جمعیت مسلمانان در اروپا، ریشه واکنش‌های اهانت آمیز به قرآن

آمارهای بین المللی حاکی از افزایش جمعیت مسلمانان در اروپاست که پیش بینی شده در سال ۲۰۳۰ دو برابر آمار فعلی هم بشود. در مورد ترکیب جمعیتی سوئد که محل اهانت‌های اخیر به قرآن شده است، نکات قابل تاملی وجود دارد. موسسه آمریکایی بروکینگز ۳ سال پیش در پژوهشی به قلم «دانیل لی تامسون» اقبال به حزب راست افراطی «دموکرات‌های سوئد» را متأثر از «اسلام» و به‌ویژه «مهاجرت» مسلمانان به سوئد دانسته بود. با وجود نیاز سوئد به مهاجران برای سرعت گرفتن رشد اقتصادی در این کشور، اما احزاب دست راستی همچون دموکرات‌های سوئد، از مخالفان سرسخت پذیرش مهاجران و به‌ویژه مسلمانان در این کشور هستند. در سال ۲۰۱۵، سوئد با جمعیت کمی بیش از ۱۰ میلیون نفر، بیش از ۱۶۲ هزار پناهجو را از کشورهای سوریه، عراق و افغانستان پذیرفت. پژوهشگر موسسه بروکینگز با استناد به آمارها می‌گوید که سوئد ۶ میلیارد یورو یا ۱.۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را برای همین ۱۶۲ هزار پناهجوی عمدتاً مسلمان هزینه کرده است.

رشد اسلامگرایی در سوئد و نگرانی از افزایش مهاجرت به این کشور و فشار بر سیستم رفاهی آن، منجر به قدرت گرفتن احزاب دست راستی و تلاش برای اسلام‌ستیزی بیشتر در این کشور شده است. به نوشته بروکینگز، در سال‌های اخیر سوئد شاهد جریان اصلی افراط‌گرایی است که در مورد مسلمانان به‌گونه‌ای صحبت می‌کنند که دو دهه پیش همین صحبت‌ها «افراطی» تلقی می‌شد. کارشناسان می‌گویند مهاجرت باعث افزایش پوپولیسم جناح راست شده است و حتی احزاب جریان اصلی نیز به اتخاذ مواضع سختگیرانه‌تری در قبال مهاجران روی آورده‌اند.

در سوئد، حزب راست افراطی دموکرات سوئد که نخستین بار در سال ۲۰۱۰ توانست با ۲۰ کرسی وارد پارلمان شود، سومین حزب بزرگ سوئد است. این حزب خواهان خروج بسیاری از کسانی است که در سال‌های اخیر در سوئد پناهندگی گرفته‌اند و گسترش اسلام

را «بزرگ‌ترین تهدید» این کشور خوانده است. این حزب در این سال‌ها، به‌طور موثر روایتی را شکل داده است که موج مهاجران عمدتاً مسلمان را به افزایش جنایات خشونت‌آمیز و فشارها بر سیستم رفاهی سوئد مرتبط می‌کند. این البته محدود به موج مهاجرت در سال ۲۰۱۵ نیست.

دموکرات‌های سوئد مدت‌ها قبل از سال ۲۰۱۵، پایه‌های یک روایت ضداسلامی متمرکزتر را فراهم کرده بودند و اسلام را به‌عنوان دشمن شماره یک عمومی معرفی می‌کردند. «جیمی اُکسون» رهبر این حزب در سال ۲۰۰۹ ادعا کرد، «به‌عنوان یک دموکرات سوئد، من این [اسلام و مسلمانان در سوئد] را بزرگ‌ترین تهدید خارجی خود از زمان جنگ جهانی دوم می‌بینم.» او ادعا کرد «نمایندگان برجسته جامعه مسلمانان خواستار اجرای قوانین شریعت در سوئد خواهند بود.» براساس نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو، ۵۹ درصد از سوئدی‌هایی که نظر مثبتی نسبت به دموکرات‌های سوئد دارند، نظر نامطلوبی را نسبت به مسلمانان در کشورشان ابراز می‌کنند. در مقابل کسانی که دیدگاه منفی نسبت به دموکرات‌های سوئد دارند، تنها ۱۷ درصد مسلمانان را منفی می‌بینند. در سال ۲۰۱۵، ۷۰ درصد از سوئدی‌ها نگرش مطلوبی نسبت به مهاجرت داشتند، با این حال، بدبینی بیشتر دموکرات‌های سوئد نسبت به مهاجرت، آن را به‌عنوان یک موضوع سیاسی مهم و فزاینده معرفی کرده است. گسترش دیدگاه‌های مبتنی بر ملی‌گرایی پوپولیستی و ضد‌مهاجرت، منجر به تهدید تلقی کردن مسلمانان و اسلام در سوئد شده است. حداقل سومین حزب قدرتمند پارلمان به‌شدت به این دیدگاه‌های اسلام‌ستیزانه معتقد است و همین هم عامل رشد اقدامات هتاکانه در این کشور نسبت به مقدسات مسلمانان شده است.

در سال ۲۰۲۲ جمعیت سوئد ۱۰ میلیون و ۵۲۰ هزار نفر بوده که ۷ میلیون و ۶۹۴ هزار نفر از آنها سوئدی هستند. از میان سوئدی‌ها ۶ میلیون و ۸۷۸ هزار نفر دارای والدین سوئدی و ۸۱۶ هزار نفر دارای یک والد سوئدی بوده‌اند. همچنین ۲ میلیون و ۱۴۵ هزار نفر خارج از سوئد به دنیا آمده و ۶۸۱ هزار نفر نیز در سوئد از والدین غیرخارجی متولد شده‌اند. چنین آمارهایی نشان می‌دهد ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از ساکنان سوئد-یک‌چهارم جمعیت این کشور- تحت‌تاثیر خارجی‌ها هستند. بخش قابل‌توجهی از جمعیت سوئد را مسلمانان تشکیل می‌دهند. درحالی‌که تعداد دقیق مسلمانان در سوئد قابل بحث است، اما موسسه تحقیقاتی Pew جمعیت مسلمان آن را ۸.۱ درصد از کل جمعیت بیش از ۱۰ میلیون نفری تخمین زده است.

مهاجرت‌های غیرقانونی به سوئد با توجه به فاصله جغرافیایی، وجود کشورهای متعدد و نیاز به عبور از دریای بالتیک بسیار دشوارتر از دیگر کشورهای قاره سبز است. هرچند به لحاظ تعداد مهاجران، سوئد جمعیت بسیار کمتری را جذب کرده است اما زمانی که این رقم با نسبت جمعیت قیاس می‌شود، اوضاع تفاوت می‌کند. تنها در سال ۲۰۱۵، سوئد ۱۶۲ هزار و ۸۷۷ درخواست پناهندگی داشت که عمدتاً این افراد شهروندان سوریه، عراق و افغانستان بودند. آنها حدود ۱.۶ درصد از جمعیت ۱۰ میلیونی سوئد را تشکیل می‌دادند. این رقم به نسبت، معادل بیش از پنج میلیون پناهنده در ایالات متحده است اما آمریکا در آن سال تنها حدود ۸۳ هزار درخواست پناهندگی دریافت کرده است.

همانگونه که پیش از این نیز گفته شد طبق آمارها، سوئد ۶ میلیارد یورو یا ۱.۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را برای ۱۶۲ هزار پناهنجویی که در سال ۲۰۱۵ وارد این کشور شده‌اند، هزینه کرده است. البته پذیرش این مهاجران، نه از سر سخاوت بلکه به دلیل نیاز استکهلم به مهاجران برای شکوفایی بیشتر اقتصادش است. استکهلم این مهاجران را از مناطق مسلمان‌نشین مجاور اروپا مانند غرب آسیا و شمال آفریقا تامین می‌کند.

با این وجود سوئد همانند برخی کشورهای بزرگ‌تر و پرجمعیت‌تر اروپا مانند آلمان و فرانسه قابلیت هضم تعداد بالایی از مهاجران را ندارد و بر همین اساس می‌کوشد دربرابر عده‌ای از مهاجران سد ایجاد کند. اقدام ضداسلامی اخیر در سوئد با ایجاد سطحی از نفرت علیه این کشور در جوامع مسلمان می‌تواند به کاهش محبوبیت این کشور در لیست گزینه‌های مهاجرت بینجامد.

